ب) تدوین نگاشتی

من که عرض می‌کنم قرآن تدوین است، اصلاً منظورم این نیست که جوهره قرآن، تدوین معنایی عالم نیست. ولو یکی از مهمترین شئون قرآن تدوین معنایی نفس الامر است. در این مشکلی ندارید، مانعة الجمع نیست. اما آن، محور نیست. آن چه که محوریت قرآن در واست در ربط حروف مقطعه نهفته است؛ شما باید ربط حروف مقطعه را با قرآن بفهمید تا ببینید تدوین تکوینی به چه صورت است. چطور «یستخرج من القرآن»؟ ابو فاخته چه گفت؟ از شاگردان خاص امیرالمؤمنین بود. گفت حروف مقطعه ام الکتاب هستند؛ منها یستخرج القرآن. چطور می‌توانید با حروف مقطعه قرآن را به دست بیاورید؟ حروف که معنا ندارند. شما چطور می‌خواهید از یک بسیطی که معنا ندارد به یک چیزهایی برسید که صاحب معانی هستند؟ طبیعی ترین راه این است که باید بعدها به آن برسید. فعلاً باید از حروف بسیط، مرکباتی را تحصیل کنید که فعلاً آنها از سنخ معانی نیستند. فعلاً مرکباتی از همان بسائط هستند. و لذا اولین استخراج طبیعی در استخراج مرکبات از بسائط، استخراج تدوین نگاشتی است.

تدوین نگاشتی به این صورت است: شما می‌گویید می‌خواهیم کشور ایران را تدوین کنیم، چطور آن را تدوین می‌کنید؟ در یک جایی لوحی قرار می‌دهید و می‌گویید این لوح به ازاء آن است، بعد شروع می‌کنید برای تک‌تک نقاطی که در ایران هست –کاری به لفظ و معنا ندارد- یک نشانه قرار می‌دهید. این نشانه را در آن محل می‌گذارید. یعنی در آخر کار وقتی آن لوح کامل می‌شود می‌بینید به ازاء هر نقطه تکوینی در ایران، یک نشانه ای با آن قرار دارد. این نگاشت می‌شود. یعنی این دیگر معنای ایران نیست. این نقشه ایران است؛ این نگاشت ایران است.

شاگرد: این ایران را نشان می‌دهد؟

استاد: بله، بالاترین نشاندادن است. و لذا ائمه فرمودند من که کل عالم را برای شما می‌گویم، خبره کما انظر الی کفی هذا[1]؛ همینطوری که به کف دستم نگاه می‌کنم به شما از همه چیز خبر می‌دهم. بعد راوی تعجب کرد. حضرت فرمودند: «اعلم ذلک من کتاب الله»؛ من این را از قرآن می‌دانم. چون خدا علم کتاب خودش را به من داده من این را می‌دانم. خب این به چه صورت است؟ یعنی معانی را می‌دانم؟ ما مشکلی ندارید. اینها علوم خودشان است، ما که خبر نداریم. یک وجهش این است. من به‌عنوان وجوه عرض می‌کنم؛ یک وجهش این است که قرآن از ناحیه حروف مقطعه و مرکباتی که به بسائط بر می‌گردد به این صورت است. قرآن دارد نشان می‌دهد.«و َما تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلاّ يَعْلَمُهاَ و َلا حَبَّةٍ في ظُلُماتِ الْأَرْضِ و َلا رَطْبٍ و َلا يابِسٍ إِلاّ في كِتابٍ مُبينٍ[2]»؛ این جور است. «و َوَجَدُوا ما عَمِلُوا حاضراً[3]» چطور بود؟ در خود کتاب بود، قرآن به این صورت است.

---

[1] الكافي (ط - الإسلامية)، ج١، ص: ۶١؛عن عبد الأعلى بن أعين قال سمعت أبا عبد الله ع يقول قد ولدني رسول الله ص و أنا أعلم كتاب الله و فيه بدء الخلق و ما هو كائن إلى يوم القيامة و فيه خبر السماء و خبر الأرض و خبر الجنة و خبر النار و خبر ما كان و خبر ما هو كائن أعلم ذلك كما أنظر إلى كفي إن الله يقول فيه تبيان كل شيء.

[2]الانعام ۵۹

[3]الکهف ۴۹

بازبینی #3
ایجاد شده 9 آوریل 2024 14:31:39 توسط ... .
به روزرسانی شده 22 مه 2024 12:11:43 توسط ... .